



مسئولان کشور

راوی قدرت ایران باشید

نه ضعیف ها



الگوی واحد فریب

۷ بار یک الگوی جنایت طی یک سال:

وعده قطعی عدم حمله به بیروت توسط هنری هوکشتاین، نقض توسط اسرائیل، حمله به بیروت و ترور فواد شکر

نامه نگاری ترامپ برای مذاکره با ایران، ابلاغ پذیرش غنی‌سازی و زمان مذاکره، حمله گسترده غافلگیرانه اسرائیل و آمریکا به ایران وسط مذاکره

ابلاغ پیشنهاد آتش‌بس ۲۱ روزه به حزب الله، ناگهان حمله اسرائیل، ترور سیدحسن نصرالله

مذاکرات صلح آمریکا و اکراین با روسیه در عربستان، وعده آتش‌بس هوایی و دریایی، حمله گسترده پهپادی غرب به فرودگاه‌های روسیه حین مذاکرات

آزادی عیدان الکساندر آمریکایی برای اثبات حسن نیت حماس، ردزنی محمد سنوار و شهادت او

ایجاد سایت‌های توزیع غذا توسط نهادهای آمریکایی اسرائیلی در غزه، به خاک و خون کشیدن مردم تجمع کرده در این سایت‌ها با رگبار تانک و پهپاد

پیشنهاد آمریکاییها به حماس، گردهم آمدن اعضای فرماندهی و حمله هوایی اسرائیل به آنها

با دشمنی طرفیم که به هیچ اصلی پایبند نیست، به جز زور. هر مذاکره‌ای باید با توجه به این هویت فریبکار و درنده و کاملاً دروغگو، دنبال شود.

محرور سوم ایران مگر قبل از جنگ وارد مذاکرات نشد چرا دوباره بعد از جنگ پیام مذاکره فرستاد؟

آنچه می‌گوییم نتیجه تحلیل‌هایی است که به آن تکیه کرده‌ایم و گر نه اطلاعاتی از تصمیمات مقامات ارشد نداریم. اینکه در میانه جنگ چرا مجدداً ایران پیام مذاکره داد شاید به این دلایل باشد:

ارسال پیام مذاکره پس از آتش‌بس، تلاش ایران برای کسب برتری دیپلماتیک و مشروعیت بین‌المللی بر طرف مقابل بود. به عبارتی این پیام را به خارج داد که ایران جنگ طلب نیست و جنگ افروزی خصلت رژیم صهیونیستی است.

قدرت ایران در این جنگ کاملاً برای همه واضح شد. این قدرت، تغییراتی جدی در موازنه قدرت منطقه‌ای و بین‌المللی به وجود آورد. این تغییرات، باعث شد احتمال موفقیت مذاکرات بیشتر شود.

تهدید به فعال‌سازی مکانیسم ماشه، تلاطم‌های اقتصادی در داخل ایجاد کرد. پیام مذاکره برای حفظ آرامش بازار و جلوگیری از تلاطم‌های بیشتر نیز بود.

جمهوری اسلامی ایران با ارسال پیام مذاکره به مردم خود نیز اطمینان داد که دنبال جنگ نیست. پیام صلح و آرامش به داخل کشور هم یکی از کارکردهای پیام مذاکره بود.

یکی دیگر از دلایل مذاکره می‌تواند این باشد که ایران خواهان تضمین امنیت و جلوگیری از حملات آینده اسرائیل به تأسیسات خود است. ایران می‌خواهد در کنار اقتدار نظامی از مذاکره نیز به عنوان یک ابزار پیشگیرانه استفاده کند.

مدیریت بهانه‌ها چرایی از سرگیری گفت‌وگو با گروسی

تجربه تلخ گذشته

پس از حملات ماه ژوئن به تأسیسات هسته‌ای ایران، فعالیت‌های بازرسی در ایران بطور کامل تعلیق شد. این تعلیق، برای نخستین بار از زمان امضای موافقت‌نامه جامع پادمان بین ایران و آژانس رخ داد.

همچنین ایران نگران نشت اطلاعات هم هست؛ چرا که بسیاری از ترورهای دانشمندان ما از طریق بازرسان آژانس رقم خورد. بخشی از این نگرانی‌ها در صحبت‌های عراقی به رسمیت شناخته شده است که قانون مجلس و مصوبه شورای عالی امنیت ملی خواسته‌اند محدودیت‌هایی برای دسترسی‌ها و همکاری‌ها باشد.

چرا همکاری را قطع نکردیم؟

ایران تأکید کرده همچنان عضو پیمان منع گسترش سلاح هسته‌ای (NPT) است و برنامه هسته‌ای اش صلح‌آمیز تحت نظارت است.

قطع کامل همکاری ممکن است این پیام را بدهد که ایران در حال حرکت مخفیانه به سمت سلاح هسته‌ای است؛ چیزی که طرف مقابل معمولاً آن را به عنوان «بهانه» مطرح می‌کند. عراقی اشاره کرده که سیاست جدید همکاری باید شکل متفاوت و کنترل‌شده داشته باشد، نه مثل قبل.

منطق بازگشت به گفت‌وگو

توافق جدید میان گروسی و عراقی شامل امضای یک سند فنی اجرایی است. این سند چارچوبی برای اطلاع‌رسانی و بازرسی‌ها تعیین می‌کند، از جمله درباره تأسیساتی که مورد حمله قرار گرفته‌اند و مواد هسته‌ای داخل آن‌ها.

گروسی گفته که مشاهده تمایل ایران برای باقی ماندن در NPT و ادامه همکاری تحت نظارت بین‌المللی، باعث دلگرمی است.

شرط و تأکیدهای ایران

قانون مجلس شورای اسلامی و تصویب شورای عالی امنیت ملی به طور صریح در توافق به رسمیت شناخته شده‌اند. همکاری‌ها باید طبق این قوانین انجام شود. عراقی گفته است که «الان هیچ دسترسی‌ای به بازرسان آژانس داده نمی‌شود» جز در مورد خاص نیروگاه بوشهر برای تعویض سوخت، که از قبل مصوبه داشته است و جریان دارد. نوع و شکل دسترسی و بازرسی‌ها قرار است بعداً در مذاکرات جداگانه مطرح شود، پس از ارائه گزارش ایران. ادامه اعتبار این توافق مشروط شده به عدم انجام اقدامات خصمانه از سوی طرف مقابل، از جمله فعال شدن مکانیسم ماشه (snap-back).

ماهیت توافق اخیر

توافق جدید یک «چارچوب اجرایی پادمانی» است، نه یک توافق عمومی مفصل. سند فنی است که نحوه اجرای بازرسی‌ها و اطلاع‌رسانی را مشخص می‌کند. شامل همه تأسیسات هسته‌ای ایران است، از جمله مراکزی که مورد حمله قرار گرفته‌اند. هدف آن بازگشایی مسیر دیپلماتیک، کاهش بهانه‌ها و تضمین نظارت بین‌المللی اما با حفظ منافع و امنیت ملی ایران است.

علت مذاکره با آمریکا با وجود غیرعقلانه و غیرشرافتمندانه بودن مذاکره

رهبر انقلاب: مذاکره نمی‌کنیم، دلیل هم تجربه؛ مذاکره نه عاقلانه است نه شرافتمندانه؛ مذاکره مشکل تحریم را حل نمی‌کند بلکه گره‌ها را کور و پیچیده تر می‌کند.

نامه ترامپ به ایران: یا مذاکره یا جنگ هدف ترامپ از این نامه: قرار دادن ایران در دوراهی مذاکره یا جنگ

در صورت پذیرش مذاکره: شکستن هیمنه قدرت ایران و ایجاد موفقیت برای آمریکا باز شدن دست اسرائیل در مذاکرات با حماس جهت فشار بر مردم غزه برای کوچ بیشتر

در صورت عدم پذیرش مذاکره: مشروعیت بخشی حمله آمریکا به ایران سوء استفاده جریانات معاند داخلی در به هم ریختگی

اجتماعی و اقتصادی، پالس ضعف به جبهه مقاومت، باز شدن دست اسرائیل و سخت شدن کار برای ایران

پاسخ ایران برای برون رفت از این اوضاع:

پذیرش مذاکره غیرمستقیم (انعطاف‌پذیری + تقيه) آمریکا به دنبال مذاکره مستقیم بود تا استفاده خود را ببرد. اما ایران با پیشنهاد مذاکره غیرمستقیم، آمریکا را به چالش کشاند و در گوشه رینگ قرار داد. (آمریکا نمی‌توانست آن را رد کند چون خودش پیشنهاد مذاکره داده بود. به نفع او هم نبود چون سود او در مذاکره مستقیم بود)

پیشنهاد آمریکا انجام مذاکرات در امارات (متحد آمریکا) بود اما ایران پیشنهاد عمان را داد که با ایران همراهتر بود.

نتایج پاسخ هوشمندانه ایران:

از بین بردن مشروعیت حمله آمریکا به ایران باز نبودن دست اسرائیل برای اقداماتش از بین رفتن شائبه ترس ایران جلوگیری از فشارهای داخلی (اقتصادی و اجتماعی) وقت کشی و به تأخیر انداختن همه‌امور به خاطر غیرمستقیم بودن مذاکرات؛ تأخیری که سم مهلک برای اسرائیل و آمریکاست

پذیرش مذاکره «غیرمستقیم»، راهبری اتفاقات منطقه توسط ایران در درگیری جبهه مقاومت با آمریکا و اسرائیل و خراب کردن بازی غرب و غربگرایان بود



دیپلماسی در زمان جنگ یکی از پیچیده‌ترین و در عین حال حیاتی‌ترین جنبه‌های روابط بین‌الملل است. در شش‌زایی که درگیری نظامی جریان دارد، طرفین درگیر اغلب به مذاکرات روی می‌آورند تا اهداف خود را از طریق ابزارهای دیپلماتیک پیش ببرند. در ادامه به بررسی منطق و اهداف مذاکرات حین جنگ با توجه به نمونه‌های مختلف آن می‌پردازیم.

۱. کاهش تلفات و آسیب‌های انسانی و اقتصادی

جنگ‌ها هزینه‌های انسانی و اقتصادی سنگینی به همراه دارند. طرفین درگیر ممکن است برای کاهش این هزینه‌ها به مذاکره روی آورند:

حفاظت از غیرنظامیان: مذاکرات می‌تواند برای ایجاد آتش‌بس موقت یا ایجاد کریدورهای امن برای تخلیه غیرنظامیان انجام شود.

کاهش خسارات اقتصادی: جنگ می‌تواند

زیرساخت‌های حیاتی و اقتصاد کشور را تخریب کند. مذاکرات می‌تواند برای محدود کردن این خسارات انجام شود.

۲. دستیابی به اهداف استراتژیک و امنیتی

طرفین درگیر ممکن است از مذاکرات برای پیشبرد اهداف استراتژیک خود استفاده کنند بعنوان مثال طرفی که دستاوردهای نظامی داشته ممکن است بخواهد این دستاوردها را از طریق مذاکرات به رسمیت بشناساند.

۳. مدیریت بحران و کاهش تنش‌ها

درگیری‌های نظامی می‌توانند به سرعت از

کنترل خارج شوند. مذاکرات می‌تواند به عنوان ابزاری برای مدیریت بحران عمل کند:

پیشگیری از تشدید درگیری:

مذاکرات می‌تواند برای جلوگیری از افزایش سطح درگیری و تبدیل آن به یک جنگ تمام‌عصری و یا جلوگیری از گسترش جنگ به مناطق دیگر یا درگیری باز یگران بیشتر انجام شود.

ایجاد فضا برای دیپلماسی:

مذاکرات می‌تواند دالانسی برای گفت‌وگو و یافتن راه‌حل‌های دیپلماتیک ایجاد و آن را باز نگه دارد.



دیپلماسی در زمان جنگ با چه منطق و اهدافی انجام می‌شود؟

۴. کسب مشروعیت بین‌المللی و جلب حمایت طرفین درگیر ممکن است از مذاکرات برای بهبود موقعیت بین‌المللی خود استفاده کنند:

کسب حمایت دیپلماتیک: مذاکرات می‌تواند حمایت دیپلماتیک کشورهای دیگر یا نهادهای بین‌المللی را جلب کند.

بهبود تصویر بین‌المللی: مشارکت در مذاکرات می‌تواند تصویر یک طرف منطقی و متعادل را برای کشورهای دیگر و یا دیپلماسی عمومی جهانی ارائه دهد.

۵. آماده‌سازی برای دوران پساجنگ

مذاکرات حین جنگ می‌تواند پایه‌ای برای ترتیبات پساجنگ باشد: تعیین چارچوب صلح آینده: مذاکرات می‌تواند چارچوبی برای توافق‌نامه صلح نهایی تعیین کند. ایجاد سازوکارهای اعتمادساز: مذاکرات می‌تواند به ایجاد اعتماد بین طرفین درگیر کمک کند.